نسیم جنوب

www
nasimjonoub
.COM

سال بیست و شش – شماره ۱۰۶۶ پنجشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۲

۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)



مصاحبه نسیم جنوب با محسن شریفیان

درباره تور کنسرت بین قاره‌ای گروه موسیقی لیان بوشهر :

موسیقی بوشهر؛ پیام رسان فرهنگ غنی بوشهر و ایران



پیکر مطهر پنج شهید گمنام در بوشهر تشییع شد

همزمان با سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) پیکر مطهر پنج شهید گلگون کفن گمنام دوران هشت سال دفاع مقدس با حضور شماری از مسوولان و اقشار مختلف مردم استان بوشهر تشییع شد.

به گزارش ایرنا پیکرهای مطهر شهدا بر دوش همرزمان و دیگر اقشار مردم از بسیج مرکزی تا گلزار شهدای بوشهر تشییع و برای خاکسپاری به مناطق مختلف استان بوشهر اعزام شدند.

مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان بوشهر گفت: ۱۵ آذرماه امسال پیکر پنج شهید گمنام با استقبال گسترده مردم وارد این استان شد و در مدارس و شهرستان‌های این استان نمادین تشیع شد.

رسول غریبی در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: شهدای یاد شده در عملیات‌های والفجر مقدماتی و ۳، بیت‌المقدس ۴ و کربلای ۵ جان خود را نثار انقلاب و میهن کردند.

مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان بوشهر تصریح کرد: پیش از این ۱۶۸ شهید گمنام در ۷۰ نقطه استان خاکسپاری شده که با حضور این پنج شهید، شمار ۱۷۳ شهدای گمنام ۱۷۳ و تعداد گلزار آنها به ۷۵ نقطه افزایش خواهد یافت.

تشییع پیکر مطهر شهید مدافع امنیت

پیکر مطهر شهید مدافع امنیت استوار یکم علی دشت بوری که بر اثر حمله تروریستی به قرارگاه انتظامی راسک استان سیستان و بلوچستان به شهادت رسید، با حضور گسترده مردم، خانواده معظم شهدا و ایثارگران، مسوولان و نیروهای نظامی و انتظامی در شهر بوشهر تشییع و سپس در زادگاهش شهر «آباد» شهرستان تنگستان به خاک سپرده شد.

تفاهم‌نامه تقویت بنیه علمی دانش‌آموزان کنکوری بوشهری منعقد شد

تفاهم‌نامه طرح تقویت بنیه علمی دانش‌آموزان کنکوری و طرح روستا مرکزی با حضور مدیران آموزش و پرورش استان بوشهر و سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس منعقد شد.

به گزارش ایرنا، مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر در نشست با مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در عسلویه اظهار کرد: بر اساس این تفاهم نامه زمینه استفاده از منابع مالی و امکانات وزارت نفت برای برگزاری کلاس‌های کنکور در استان و تقویت بنیه علمی دانش‌آموزان فراهم می شود.

امسال نیز همانند سال گذشته کلاس‌های کنکور برای دانش آموزان پایه دوازدهم برگزار می شود تا شاهد موفقیت فرزندان مان در بزرگ‌ترین رقابت علمی کشور باشیم.

وی با تاکید بر اینکه آموزش و پرورش باید اولویت اول جامعه باشد، تصریح کرد: خوشبختانه با انعقاد این تفاهم‌نامه ها طرح «روستا مرکزی» برای جابجایی دانش‌آموزان روستایی مناطق محروم جنوب استان نیز اجرایی خواهد شد.

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر اضافه کرد: این طرح به منظور پوشش تحصیلی دانش‌آموزانی است که در منطقه خود از مدارس متوسطه اول و دوم محروم هستند که از این پس با ایاب و ذهاب رایگان به نزدیک ترین دبیرستان مورد نظر می روند.

پس از تجمع مردم گناوه در اعتراض به محدودیت ته لنجی

دستورالعمل جدید ته لنجی در استان بوشهر



پس از تجمع و تحصن چندین روزه مردم گناوه در اعتراض به محدودیت ته لنجی، استاندار بوشهر خبر از ابلاغ دستورالعمل جدید ته لنجی داد.

استاندار بوشهر گفت: با ابلاغ دستورالعمل جدید ته لنجی این مهم از امروز اجرایی شده و براساس آن وزن ترخیص کالاهای وارداتی ته‌لنجی به ۷۵ تن و اقلام آن به ۸۰ نوع کالا افزایش یافت.

احمد محمدی‌زاده در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: براساس دستورالعمل جدید در هر سفر لنج‌های تجاری وزن کالاهای وارداتی ته لنجی برای ترخیص از ۶۰ تن به ۷۵ تن افزایش یافته است.

وی افزود: همچنین تعداد اقلام وارداتی توسط لنج‌های تجاری و سفاری از ۵۹ قلم به ۸۰ نوع کالا افزایش یافته است.

استاندار بوشهر یادآور شد: در مواردی که حجم کالاهای وارداتی یک لنج از ۷۵ تن به ۱۵۰ تن افزایش یابد مازاد ۷۵ تن به‌عنوان کالای ته‌لنجی سفر دوم آن لنج محاسبه و ترخیص می‌شود.

محمدی زاده با بیان این که این موارد در سطح ملی مصوب شده است، گفت: پیرامون این موضع جلسه شورای تامین تشکیل شد و اتخاذ تصمیم کرد.

وی ادامه داد: با توجه به اینکه در پنج بندر دیر، کنگان، دلوار، بوالخیر و لاور ساحلی کالاهای ته لنجی در حال تخلیه است در صورت ترخیص اگر کالایی در لنج‌ها باقیمانده اختلاف ۶۰ تن قدیم تا ۷۵ تن جدید به آن‌ها مجوز ترخیص از سوی گمرکات داده می‌شود.

محمدی زاده افزود: در راستای حمایت از تجارت و بازرگانی در استان بوشهر و موضوع ته لنجی پیگیری‌هایی توسط مسئولان استان از سطح ملی انجام شد.

وی اضافه کرد: در این راستا نماینده ولی فقیه در استان، نماینده مردم استان بوشهر در مجلس خبرگان رهبری، نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی و شورای تامین به‌صورت ویژه در سطح ملی و ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیگیری لازم انجام دادند تا در دستورالعمل ابلاغی به نفع مردم استان تغییراتی ایجاد شود.

کالای همراه ملوان (ته لنجی) به عنوان نوعی واردات کالا است که از دیرباز رواج داشته و برای گذران زندگی ساحل نشینان بسیار حائز اهمیت است. لنج داران، خدمه و ملوانان مجاز به واردات این کالاها با معافیت از پرداخت عوارض گمرکی بوده‌اند.

رصد خانه گورک در بوشهر را دریابید



بهناز بیات: چندین سال هست که دانش آموزان را برای بازدید علمی به رصد خانه در روستای گورک می‌بریم ولی هر سال دریغ از پارسال، بجای رسیدگی و افزودن وسایل جدید جهت ارتقاء سطح علمی بازدیدکنندگان، متاسفانه با ازبین رفتن و خرابی وسایل آنجا روبرو می‌شویم و جوانان علاقمند به نجوم که آنجا هستند و وقت می‌گذارند را بی‌انگیزه می کنند، بطوری که مطلع شدم به اداره آموزش پرورش و دانشگاه خلیج فارس جهت رسیدگی و تعمیر تلسکوپ آنجا اطلاع داده شده و مسئول دانشگاه خلیج فارس وعده داده که اقدام می‌کنند ولی تا پایان آذرماه، هیچ اقدامی جهت رسیدگی و تعمیر تنها تلسکوپ آسمان‌نما انجام نشده است. ناگفته نماند که تعدادی از جوانان علاقمند که در آنجا به آموزش مراجعه کنندگان مشغول هستند، به امید استخدام چندین سال هست با رصد خانه همکاری می کنند که یکی از جوانان توانمند در حیطه جهانی نجوم ساکن بوشهر که سال‌های قبل در رصدخانه فعالیت می‌کرد بدلیل بی توجهی و عدم درآمد کافی، به کار آزاد روی آورده است. واقعا حیف از این همه استعداد که نادیده گرفته شود. از طرفی بدلیل اینکه رصدخانه درآمد کافی ندارد و بدهکار اداره برق می‌باشد، چندین بار تهدید به قطع برق شده که در حال حاضر با قسطبندی هزینه برق را می‌پردازد.

وظیفه خود دانستم به امید رسیدگی به امور رصد خانه این چند خط را بنویسم که با تعمیر تلسکوپ در گورک بجای بلااستفاده ماندن، مورد استفاده قرار گیرد و باشد که مسئولین مربوطه با کمک به در پر داخت هزینه‌های جانبی رصد خانه، جان تازه‌ای به این مکان بدهند تا رصد خانه همچنان پا برجا بماند.

افتخاری دیگر برای بوشهری‌های فوتبال ساحلی



مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر گفت: سازمان جهانی فوتبال ساحلی اسامی ۴۰ بازیکن و مربی برتر فوتبال ساحلی را برای کسب عناوین برتر مراسم معرفی بهترین‌های فوتبال ساحلی جهان در سال میلادی جاری (گالا ۲۰۲۳) اعلام کرد که سه ملی پوش بوشهری در بین آن‌ها وجود دارد.

یاسر جمالی در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: عناوین مختلف مراسم برترین‌ها شامل برترین مربی، بهترین دروازه‌بان زن، بهترین بازیکن زن، بهترین دروازه‌بان مرد، بهترین ترکیب (۵ بازیکن برتر) و بهترین بازیکن مرد است.

علی نادری سرمربی تیم ملی فوتبال ساحلی در بخش برترین مربی سال ۲۰۲۳ کاندیدا است.

علی میرشکاری، مسلم مسیگر، ملی‌پوشان بوشهری در بخش بهترین بازیکن سال کاندیدا هستند و علاوه بر آن امکان برنده شدن جایزه بهترین ترکیب پنج نفره هم برای هر کدام از آن‌ها وجود خواهد داشت.

جمالی ادامه داد: محمدجواد خسروی دروازه‌بان بوشهری نیز در بخش‌های بهترین بازیکن، بهترین ترکیب و بهترین دروازه‌بان کاندیدا است.

در پتروشیمی‌ها چه می‌گذرد؟



هلنا سعادتمند: چند روزی در محافل خبری بحث و گفتگو بود که مدیر عامل پتروشیمی مروارید از بین جوانان شایسته بوشهری انتخاب می‌شود.

بارقه امیدی در دل بوشهریان تابیدن گرفت و می‌رفت که اعتماد مردم نسبت به مسئولین جلب شود، ناگهان در کمال ناباوری همچون همیشه تهرانی‌ها جلو افتاده و یک انتخاب غیر بومی باعث شد نگاه مردم به مسئولین استان باز هم کم‌رنگتر شود تا مطمئن باشند مطالبات آنها شنیده نمی‌شود.

چرا جوانان تحصیلکرده بوشهری را نمی‌بینید؟

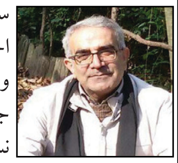
وقتی از مسئولی خواستم نامه‌ای معرفی اشتغال (جهت نگهبانی) برای جوان فقیری که متولد یاسوج و ۲۹ سال در بوشهر زندگی می‌کند و در خانواده‌اش بیمار سرطانی وجود دارد، بنویسد سر تکان داده و در جوابم گفت ما باید از بومیان حمایت کنیم.

چگونه حمایت می‌کنید؟ شما فقط بلدید حرف بزنید، چطور حمایت می کنید که تهرانی‌ها تصمیم می گیرند و به هر شکلی عمل می کنند؟



شهروند با تفکر قبیله‌ای

دکتر سعید معدنی



سال ۱۳۶۴ که وارد دانشگاه تهران و رشته علوم اجتماعی شدیم با دنیای بزرگ دانشجو و دانشگاه و کتاب و علم و بحث و گفتگو آشنا شدیم. جهان کسب اطلاعات ما در دوره دبیرستان نسبت به عصر انفجار اطلاعات امروز بسیار کم و محدود بود. عمده منبع کسب اطلاعات ما کتاب‌های کنترل و سانسور شده، دو کانال تلویزیونی، روزنامه اطلاعات و کیهان، چند مجله هفتگی سانسور شده و یکی دو موج رادیو خارجی بود. همین. همچنین گفتگو با دبیران و افراد فامیل و آشنا که سفر خارج داشتند.

القصه. در ترم و سال اول دانشگاه استاد درس مبانی جامعه شناسی، مرحوم دکتر حشمت الله طبیبی بود که جزو نویسندگان اولین کتاب‌های مبانی بود، کتاب‌ش آنقدر قدیمی بود که بر روی جلد کتاب نوشته بود نویسنده " حشمت الله طبیبی، دکتر در جامعه شناسی!" من فقط در همان یک کتاب چنین معرفی دیده‌ام" دکتر در جامعه شناسی" .

دکتر طبیبی وقتی به مبحث خانواده رسید، خاطره ای از اقامت خود در اروپا نقل کرد که مناسب بحثی است که می‌خواهم مطرح کنم. وی می‌گفت در زمان اقامت در غرب شاهد بود که زن همسایه دخترش را کتک می‌زد و می‌گفت "چند ماه دیگر ۱۸ ساله می شوی و باید از خانه بروی". در جهان مدرن و جهان غرب امروز، هم فرزندان می توانند پس از سن معینی (اغلب ۱۸ سالگی) خانه را ترک کنند و کسی نمی تواند مانع رفتنشان شود و هم والدین می توانند فرزندان را پس از رسیدن به این سن از خانه بیرون کنند.

خاطره‌ای که مرحوم طبیبی نقل می‌کرد مربوط به دیروز و امروز نبود بلکه داستان ۷۰-۸۰ سال قبل بود. ذکر این مطلب مقدمه گونه‌ی طولانی به این خاطر بود که در خبرها خواندم پدری در شرق تهران دخترش را که یک بار ازدواج ناموفق داشته و طلاق گرفته بود، به خاطر اینکه از خانه رفته و زندگی مجردی پیش گرفته بود کشته است.

بسیاری از ما برای زندگی در شهر مدرن آماده نیستیم. برخی با ذهن هزار سال قبل به دنیای امروز پرت شده‌اند. وی می گوید: "دخترم ازدواج کرد و طلاق گرفت. سپس پسری او را اغفال! کرد. او با پولی که از من قرض گرفته بود خانه‌ی مجردی اجاره کرده و اصرار کردم به خانه برگردد قبول نکرد و او را در حالی پشت‌اش به من بود و صورتش را می‌شست با چاقو کشتم"(منبع باشگاه خبرنگاران) دقت کنید برای دختری که یک بار ازدواج کرده واژه "اغفال" را به کار می‌برد. انگار او کودکی نابالغ است و قدرت تمیز دادن مسائل را ندارد و پدر باید دائم‌العمر قیم او باشد. این است که بخشی از ما در عصر مدرن در شهر مدرن زندگی می کنیم ولی ذهن‌مان هنوز در ۲۰۰ قبل فریز شده است. او حداکثر می‌توانست برای ۳۰۰ میلیون تومانی که به دخترش قرض داده شکایت کند و دیگر هیچگونه ادعا و حق مالکیتی به سن قانونی رسیده ندارد . او و امثال او یاد نگرفته‌اند، دختر بالغ و رشیده اختیار خود را دارد. او یاد نگرفته که جامعه قانون و قاضی و دادگاه دارد. صدا و سیمای ما به جای فروکردن یک مشت مبحث سطحی و بیهوده در ذهن مردم باید آنها را شهروند قانونمند بار بیاورد. باید همین خبر را سر تیتر اخبار قرار دهد و با کارشناسان اجتماعی و حقوقی مصاحبه‌های متعدد و مفصل انجام و آگاهی مردم را بالا ببرد. اینکه حق ندارید برای فرزند مستقل و بالغ خود مزاحمت ایجاد کنید، چه برسد به اینکه آنها را بکشید. پدر قاتل احتمالا با توجه به تجربه‌ها و شنیده های قبلی می‌داند با قتل دخترش اعدام نخواهد شد حداکثر چند سالی زندانی خواهد شد. اما یاد نگرفته فرزند جوان استقلال و حق و حقوقی دارد. ما بسیاری هنوز شهروندی با تفکرات روستایی ماقبل مدرن هستیم

نهاد خانواده ؛ فروپاشی یا دگردیسی ؟

سجاد بهزادی



نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا، سالهاست که "خانواده هسته ای" به شکل قدرتمندتری جای خود را به "خانواده سنتی" داده است و این نهاد اجتماعی شکل جدیدی از هویت وجودی خود را تجربه می کند. حالا جمیله علم الهدی همسر رئیس دولت سیزدهم اعتقاد دارد "نهاد خانواده در حال فروپاشی است... و آن چیزی که می‌ترسیدم با بمب‌های هسته‌ای اتفاق بیفتد به وسیله فساد و فحشا در حال رخ دادن است."

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون، به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ ها، تمدن ها و تاریخ بشر بوده است. اگر امروز همسر رئیس دولت هشدار می دهد"نهاد خانواده در حال فروپاشی است..." این همان مسئله ای است که سال‌ها قبل‌تر بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحبنظران بارها به آن پرداخته بودند وحتی در مواردی به سیاه نمایی نیز متهم می شدند.

از سویی دیگر علی اکبر صالحی عضو هیات علمی دانشگاه شریف نیز، به تازگی از ناکامی انقلاب ایران در حوزه فرهنگی و از دست رفتن جوانان سخن گفته است.

بخش هایی از سخنان وی که سال ها در بخش های ارشد نظام جمهوری اسلامی دارای مسئولیت بوده اند را نیز با هم مرور می کنیم: "ما جوانان خود را داریم ازدست می دهیم. دیگران اذهان آن‌ها را با شیوه های امروزی ربودند چون ما نیامدیم به چراها پاسخ دهیم. بخشنامه ای با جوانان برخورد کردیم. ما بعد از انقلاب از باب مناسک در دین وارد شدیم به جای این‌که از محتوا و مفاهیم وارد شویم... انقلاب اسلامی گرچه در بسیاری از حوزه ها موفق عمل کرد اما در حوزه فرهنگی موفق نبود و یکی از علل آن هم این است که ما به چراها پاسخ ندادیم و بخشنامه ای با جوانان برخورد کردیم."

حالا مسئله را از منظری دیگر واکاوی می کنیم. پرسش مهم این که آیا واقعا خانواده در حال فروپاشی است و جوانان نیز در حال ازدست رفتن هستند؟ برای پاسخ به این پرسش باید تعریف خانواده را با هم مرور کنیم.

به اعتقاد نویسنده همچنان لایه هایی از قدرت نمی خواهد به باز تعریف مفهوم خانواده کمتر اعتنایی نشان دهند. این لایه سنتی در بدنه سخت قدرت نمی خواهد بپذیرد که نه تنها در ایران، بلکه در تمام دنیا "خانواده هسته ای" به شکل قدرتمندتری در حال گسترش است و دیگر کارکردهای سنتی گذشته را ندارد.

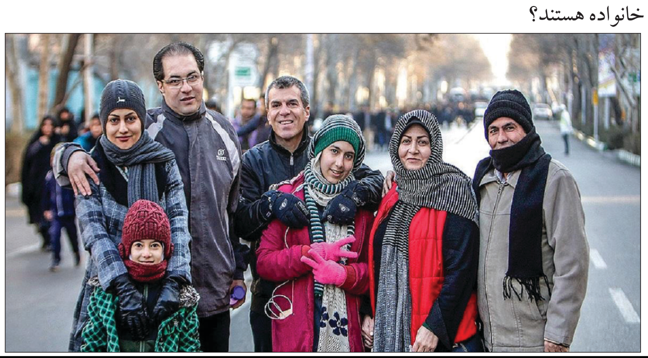
دیگر نمی توان "خانواده را به مثابه سازه ای ایدئولوژیک" دانست که پدرسالارانه به جلو حرکت می کند. برخی از صاحبنظران حتی اعتقاد دارند ما از خانواده هسته ای نیز در بسیاری از موارد عبور کرده ایم و به "خانواده مدنی" رسیدیم و امروز حتی از شکل تازه تری از تعریف خانواده به میان می آید.

خانواده به آن مفهوم سنتی که ما در ایران به یاد داریم، جایگاه قبلی را دیگر ندارد اما این الزاما نمی تواند به معنای فروپاشی خانواده در ایران باشد. جوان امروز چموش و عصیان‌گر شده است و این الزاما به معنی ازبین رفتن جوانان هم نیست.

جوانان و فرزندان در خانواده آماده جهش و فرار از رویکرد سنتی مفهوم خانواده هستند اما بخشی از ساختار هرگز آماده پذیرش این تحول بزرگ نبوده است و رفتارگرایی جدید جوانان را بر نمی تابد.

کارهای فرهنگی و رویکرد اجتماعی ما در این زمینه هم ایستا بوده است و هرگز برای جوانان امروز دل ربا و پذیرفتنی نشد. بخش مهمی از خانواده های ایرانی با طلاق عاطفی مواجه هستند و یا در ازدواج سفید روزگار را سپری می کنند اما همان‌هایی هم که در قالب یک خانواده هسته ای باقی مانده اند نیز رفتاری متناقض با رویکرد سنتی دارند.

بخش بزرگی از جوانان ایرانی، دیگر حتی خود را در ذیل طبقه متوسط رو به پایین هم نمی بینند و این امر سبب شده است، خانواده ها تجربه زیستی متفاوتی را سپری کنند. زندگی در فقر چیزی نیست که یک خانواده را همچنان متعهد به آرمان های سنتی و پدرسالارانه نگه دارد. بر اساس داده‌های جدید بانک جهانی، میزان فقر شهروندان ایران از ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۱ به بیش از ۲۸درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. بانک جهانی همچنین اعلام کرد که ۴۰ درصد ایرانیان در معرض فقیر شدن قرار دارند. خانواده در ایران می خواهد رهایی بخش باشد اما نمی تواند. فقر از یک طرف و ساختارهای سنتی از طرفی دیگر، نقش دست انداز برای خانواده بازی می کند. خانواده در ایران بیش از هر زمان دیگر آسیب دیده است. گفتگو در درون اعضاء شکل نمی گیرد. بحران اعتیاد و طلاق در بسیاری از لایه های جامعه به امری عادی بدل شده است. نام این بحران اگر فروپاشی است، دولت ها چه سهمی از این فروپاشی دارند و اگر دگردیسی نهاد خانواده است، دولت ها چقدر آماده پذیرش باز تعریف مفهوم خانواده هستند؟



زندگی آگاهانه

ترس از شکست

حسین زیرراهی- مدرس توسعه فردی



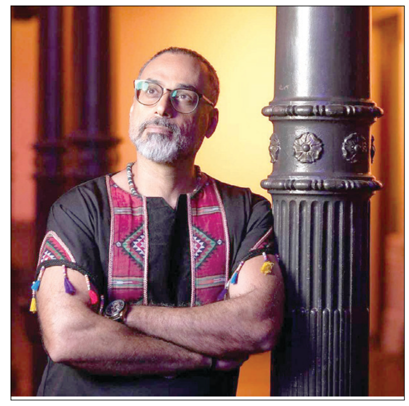
اگر شکست بخورم چه؟ این احتمالا اولین سوالی است که وقتی می‌خواهیم دست به اقدام جدیدی بزنیم در ذهن ما شکل می‌گیرد. آمار شکست‌های انسان‌ها در مقابل موفقیت‌های‌شان نشان می‌دهد این ترسی بیجا هم نیست. چون همیشه تعداد شکست‌ها بیشتر از موفقیت‌ها است. ولی دقیقا کسانی که بزرگترین موفقی‌تها را بدست آورده بیشترین شکست را خورده‌اند. این یعنی بدون شکست موفقیتی هم در کار نیست. دیگر این که حتی این افراد هم از شکست می‌ترسیده‌اند. ولی بر ترس خود پا گذاشته و اقدام کرده‌اند. موفقیت موضوعی نسبی است و همیشه افراد موفق به نسبت بقیه جامعه سنجیده می‌شوند. یکی از دلایلی که خیلی‌ها نمی‌توانند موفق شوند این است که توانایی تحمل شکست را ندارند. می‌خواهند در اولین تلاش موفق شوند. خوب اگر چنین چیزی میسر بود که همه آن را انجام می‌دادند و دیگر موفقیت به حساب نمی‌آمد. بنابراین دوست عزیزم! اگر می‌خواهی در زندگی موفق باشی باید توانایی پذیرش شکست را در خود بالا ببری. در ادبیات موفقیت فقط یک شکست وجود دارد و آن هم تلاش نکردن است. بقیه شکست‌ها تجربه و یادگیری است.

ترس از شکست هم از منابع بیرونی در ما ایجاد می‌شود و هم از طریق طرز فکر و نگرش خودمان. نخست والدین انتقادجو باعث ترس بچه‌ها از اقدام کردن می‌شوند. اگر انجام ناقص کارها را از فرزندانمان نپذیریم از شکست در کارهایشان می‌ترسند. سیستم آموزشی تنبیه گر هم دومین تشدیدکننده ترس از شکست است. شاگردی که به دلیل نمره پایین یا ناتوانی در پاسخ دادن تنبیه می‌شود انگیزه ادامه دادن را از دست می‌دهد. اگر سیستم آموزشی به تلاش و بهبود نمره دهد شاگردی که از نمره ۵ به ۹ رسیده است تشویق می‌شود. او با اینکه همچنان نمره قبولی نیاورده احساس شکست نمی‌کند و به تلاشش ادامه می‌دهد. سومین منبع ایجاد ترس از شکست رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها با نمایش انسان‌های کامل و بی‌عیب و نقص و همین‌طور نشان دادن نقص در مخاطب برای فروش کالا و خدمات تبلیغات‌شده باعث تشدید ترس از شکست در آن‌ها می‌شوند.

منبع درونی ترس از شکست شامل میل ما به دریافت تایید دیگران و دل بستن به هدف‌های بیرونی است. اگر دنبال تایید گرفتن از دیگران باشیم سعی می‌کنیم تلاش‌های ناموفق‌مان را از آن‌ها مخفی کنیم. وقتی دوست نداریم مردم شکست‌مان را ببینند در نتیجه دست به عمل هم نمی‌زنیم. اهداف بیرونی هم به دلیل احتمال عدم تحقق ترس از شکست را در ما بالا می‌برد. اگر به جای دل بستن به موفقیت در رسیدن به اهداف به این توجه کنیم که چقدر رشد کرده‌ایم کمتر از شکست‌ها می‌ترسیم. مثلا بدنسازی که در مسابقه مدال نیاورده است اگر به تفاوت بدن خود نسبت به زمان شروع نگاه کند این شکست برایش نوعی موفقیت به حساب می‌آید. چطور با وجود ترس از شکست به تلاش خود ادامه دهیم؟ ابتدا باید این باور را در خود ایجاد کنیم که درد و رنج و ناامیدی بخشی از مسیر موفقیت است. شکستها باعث می‌شود قوی‌تر، انعطاف‌پذیرتر و سپاسگزارتر شویم. دوم این که ترس را در وجود خود انکار نکنیم، آن را بپذیریم و با وجود ترس به جلو حرکت کنیم. بترس ولی انجامش بده!

مصاحبه نسیم جنوب با محسن شریفیان درباره تور کنسرت بین قاره‌ای گروه موسیقی لیان بوشهر :

موسیقی بوشهر؛ پیام رسان فرهنگ غنی بوشهر و ایران



– به تازگی شاهد تور کنسرت بین قاره‌ای از طرف گروه موسیقی لیان بوشهر بودیم. درباره اهمیت این تور موسیقی بفرمایید.

– این تور از چند لحاظ اهمیت داشت؛ یکی این که درطول تاریخ مسبوق به سابقه نبوده که یه گروه موسیقی فولک (موسیقی بومی – مردمی) از ایران بلند شود و یک تور میان قاره ای را برگزار کند و خوب این استقبال در واقع حاکی از خیلی مطالب است و قطعا این راهی نبوده که گروه لیان یک شبه طی کند و سابقه سی ساله پشت آن بوده و کلی افکار و حوادث با این اتفاق مهم شده است. یک نکته ای که حایز اهمیت است، استقبال مخاطب های ایرانی و خارجی از این کنسرت است.

دوم؛ نوازنده‌های مهمانی که در این کنسرت بودند حایز اهمیت بود و مخاطب‌ها و حمایت‌هایی که در سطح بین‌المللی از اجرای این موسیقی شد بطوری که سایت‌های خبری و رسانه‌هایی که خارجی هستند مثل سایت صفحه اصلی شهرداری سیدنی که خیلی حایز اهمیت است در دنیا، به این مسئله پرداختند، و این نشان می دهد که این موسیقی نواحی ایران و خصوصا جنوب چقدر پتانسیل دارد و می‌تواند قابل توجه شهرداری‌هایی مثل بوشهر باشد.

از طرفی آن چه که حایز اهمیت است این که یک گروه موسیقی بدون هیچ پشتوانه و حمایت مالی، از ایران بلند می‌شود می‌رود و کنسرت‌هایی می‌گذارد و نام ایران و بوشهر را به دنیا معرفی می‌کند، آن هم در دور و زمانه‌ای که خیلی از مردم از موسیقی فولک فاصله گرفته‌اند و در کشورهای خارجی مردم از این موسیقی استقبال می‌کنند، حتی نسل جدید و نوجوان در این کنسرت شرکت می‌کند و از این موسیقی خوشش می‌آید.

– این چندمین برنامه شما در خارج بود؟

– بله، نکته‌ای که قابل توجه است تکرار این برنامه توسط گروه موسیقی لیان در واقع دارد شکل می‌گیرد و این بار سوم بود که ما رفته بودیم کانادا و انشاالله همچنان ادامه خواهد داشت.

– این تور موسیقی چه مدت طول کشید و در کجاها اجرا داشتید؟

– حدود یک ماه و نیم به طول کشید. از ونکوور درکانادا شروع شد، بعد از آن در تورنتو و مونترال اجرا داشتیم و سپس رفتیم به استرالیا و در آن‌جا هم در ملبورن و بریزبن و در نهایت سیدنی اجرا کردیم.

– چه حمایت دولتی از اجرای این تور بین قاره‌ای صورت گرفت؟

– هیچ گونه حمایت دولتی از این تور موسیقی نواحی صورت نگرفته است.

– چه هنرمندانی شما را در این تور موسیقی همراهی کردند؟

– به همراه من آکا صفوی خواننده گروه، مرتضی پالیزدان و محمود بردک‌نیا سازهای کوبه‌ای را به عهده داشتند، لیانا شریفیان عود و نی انبان را به عهده داشت. در کانادا هم سه نوازنده اضافه شدند؛ سردار محمد جانی عود می‌زد، احسان امیدی، فرزاد خورشید زوار با ما همکاری داشتند. و ما ناچار بودیم از نوازنده مهمان استفاده کنیم به دلیل ویزا و رفتن آن‌ها و در استرالیا هم محمد بحرانی به ما اضافه شد.

اسم تور از بندار تا بندر بود ما در هر کشور سه نوازنده مهمان اصلی داشتیم و در سیدنی هم با یکی از نوازنده‌های مطرح ساز دی جی ریدو اجرا داشتیم. ویلیام بارتون که از چهره‌های شاخص موسیقی بومیان استرالیا هست، بارتون با گروه‌های مختلفی از جمله گروه «یو یو یاما» ساز زده و یکبار هم عنوان مرد سال استرالیا لقب گرفته بود

در استرالیا به نوازنده کونگاه از پرو به نام جورجیو نیز ما را همراهی می کرد که استاد دانشگاه در بخش درامز بود و همین‌طور آقای تونی با گیتار بیس که اصالتا ایرانی بود و آقای رضا کاشی با نواختن عود.

– هماهنگی این تور موسیقی بین قاره‌ای چگونه انجام گرفت؟

– ما پیش از این سابقه اجرا در کانادا را داشتیم که با استقبال رو به رو شد و این بود که مجری برنامه ما در کانادا تصمیم گرفت که با همکاری یکی دیگر از دوستان آقای دباغ نیا در استرالیا، این تور را به صورت مشترک برگزار کند و روناک حکیم‌زاده در کانادا و امیرناصر دباغیان در استرالیا که این دو با هم همکاری کردند که ما در استرالیا بتوانیم تور



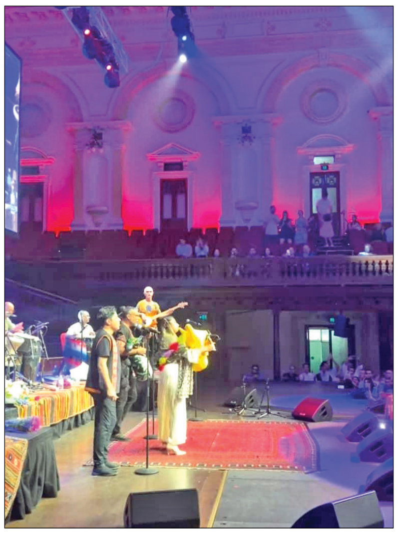
داشته باشیم.

– استقبال از اجراها چگونه بود؟

– خوشبختانه کلیه برنامه‌هایی که داشتیم سالن پر شد و در ونکور هم به سانس دوم کشیده شد. سالن آخری که در استرالیا ما برنامه داشتیم یکی از مجلل‌ترین سالن‌های استرالیا بود و یکی از قدیمی‌ترین بعد از اپرا هوس دومین سالن مطرح شهر سیدنی بود که ما در آن‌جا برنامه داشتیم.

– چگونه با موسیقی، فرهنگ بوشهر را به کشور و دنیا معرفی می‌کنید؟

– آن چه که ما داریم ارایه می‌کنیم چیزی نیست جز فرهنگ بوشهر و ادبیات و داستان‌هایی که در جنوب اتفاق می‌افتد از طریق موسیقی، چه آن بار که ما با احسان عبدی‌پور در کانادار رفتیم روی صحنه و چه هر بار که شعری‌هایی از منوچهر آتشی، محمد بیابانی، فرشید تربیت، علی هوشمند، روجا چمنکار، ایرج شمسی‌زاده، فرج کمالی، امید غضنفر و عمرانی و یا هر کس دیگری که به نوعی با لیان همکاری کرده را روی صحنه می‌بریم، ما از فرهنگ بوشهر که در این اشعار آمده، صحبت می‌کنیم، از موسیقی کار روی دریا صحبت می‌کنیم، وقتی از کار روی دریا صحبت می‌کنیم بالطبع از کارهای‌شان، از خواسته‌های‌شان صحبت می‌کنیم و یا وقتی از خیام صحبت می‌کنیم از تاثیر ادبیات ملی در فرهنگ بوشهر صحبت می‌کنیم. همه این‌ها باعث شود که مردم بوشهر بفهمند ما جزئی از آن‌ها هستیم، که این طرف و آن اطراف کشور و دنیا اجرا می‌کنیم و در واقع پستچی آن‌ها هستیم که می‌رویم و پیغام فرهنگ و موسیقی بوشهر را به جایی دیگر می‌رسانیم و این باعث می شود که در درجه اول کار ما برای مردم شهر اهمیت داشته باشد، خوب ما امیدی به مسئولین



نداریم که بخواهند توجه کنند و اهمیت بدهند و اصلا برایشان مهم نیست.

– واقعا هم موسیقی بوشهر، حرفی برای گفتن در کشور و دنیا دارد.

– اگر یک نگاه گذرا بکنیم که خوب واقعا بوشهر چه چیزی جز موسیقی داشته و اگر هست شما بگویید که رفته و مستقلا عمل کرده و به جاهای مختلف دنیا رفته و برگشته است؟ باید داشته‌های‌مان را ارج بگذاریم ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، گروه‌های موسیقی بوشهر می‌روند به این سمت و می‌توانند پیغام رسان بسیار خوبی از فرهنگ و توریست ایران و یا هر چیز دیگری به کشورهای دیگر، باشند.

– خوشبختانه تلاش‌های شما و گروه‌تان دارد نتیجه می‌دهد و آوازه گروه موسیقی لیان، از بوشهر فراتر رفته و در کشور و خارج از ایران هم حرف‌های جدی برای گفتن دارد.

– با کمترین جستجو می‌توانیم متوجه شویم که گروه موسیقی لیان نه تنها در موسیقی نواحی ایران در کشورهای دیگر هم مورد توجه قرار گرفته است، این افتخاری برای کل موسیقی نواحی و بوشهر هست که یک گروه موسیقی بدون حمایت و رانت توانسته این‌قدر مورد توجه قرار گیرد. این‌ها را باید برجسته کنیم که چراغ راه جوانان باشد و این که علاقمند شوند به موسیقی که با موسیقی می‌شود این کارها را کرد و فرهنگ غنی خود را در جاهای مختلفی معرفی کرد. بالاخره به وسیله این موسیقی یک منطقه و کشور به سایر مردم معرفی شد و این حایز اهمیت است که باید ما به آن بپردازیم.

– حال و هوای اجراهای خارج از کشور چگونه است؟

– وقتی که ما می‌رویم در یک نقطه از دنیا و خارج از کشور اجرا می‌کنیم، اول این که همشهری‌های ما دور هم جمع می‌شوند، و ایرانی‌ها دور هم جمع می‌شوند و خارجی‌ها می‌آیند و می‌بینند که ایرانی‌ها چه کار می‌کنند، این‌ها خیلی اهمیت دارد و ما خیلی خوشحال می‌شویم که ساعاتی را می‌توانیم مخاطبان‌مان را سرگرم کنیم و آن غم و دلتنگی‌های که در مهاجرت ایجاد می‌شود را تا حدودی برطرف کنیم و این خیلی مهم است، این قضیه در خارج از کشور خیلی نمود پیدا می‌کند. وقتی مردم خوشحال می‌شوند و بخشی از دلتنگی‌های‌شان کم می شود، پیام و بازتاب خیلی خوبی است که ما دریافت می‌کنیم. کافی است شما بروید زیر پست‌های ما در فضای مجازی پیام‌های بامحبتی که از مردم دریافت می‌کنیم، را بخوانید تا متوجه شادی آن‌ها بشوید.

– سخن پایانی؟

–ته ماجرا این است که محسن شریفیان و گروه موسیقی لیان امروز مترداف شده است با ساز نی‌انبال و ساز نی‌انبان مترادف شده است با یک بخشی از موسیقی بوشهر و موسیقی بوشهرمترادف است با داستان‌ها و ادبیات و فرهنگ و غیره و باید این گونه به ماجرا نگاه کنیم نه این که بگوییم یک گروه لیان داریم و هیچ ارتباطی با بوشهر ندارد و این یک تفکر اشتباه است و یک خودزنی محض است و الان دیگر گروه لیان صرفا متعلق به بوشهر نیست و در مورد کل ایران دارد صحبت می‌کند و و برای کل ایران می‌خواند و ما باید این موضوع را بزرگ کنیم و آبیاری کنیم بجای این که آن را تخریب کنیم و یا آن را کم اهمیت جلوه‌اش بدهیم، برای این‌که انگیزه‌ای بشود برای بقیه هنرمندان بوشهری.

ما یک پستچی فرهنگی هستیم و باید مواظب باشیم که پیغام خیلی‌ها را به درستی از این طریق به گوش مردم برسانیم؛ ارسال، بسته بندی و حمل این کالای گران، پیچیدگی‌های زیادی دارد.

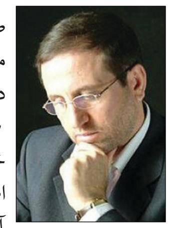
راه‌های دراز و آرزوهای بزرگی پشت این قصه است. ممنون که هم‌داستان شدید؛ سپاس از شما و نسیم جنوب.



وضعیت گردشگری استان بوشهر

فرصت‌ها و تهدیدات گردشگری در بوشهر

دکتر عباس علوی‌نژاد



طبق آخرین گزارش مرکز ملی آمار از گردشگری داخلی ایران در سال ۱۴۰۰، ۱۰ استان مازندران، تهران، خراسان رضوی، فارس، اصفهان، گیلان، کرمان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و خوزستان به‌ترتیب بیشترین تعداد مسافر داخلی در سال ۱۴۰۰ را داشته‌اند. آمار گردشگری ایران به تفکیک استان، از مجموع ۲۴ میلیون و ۶۳۸ هزار و ۶۴۹ سفر داخلی در سال ۱۴۰۰، بیش از ۵۸ درصد بدون اقامت شبانه و ۴۲ درصد با اقامت شبانه بوده است.

همچنین براساس آمار اعلام شده، از ۲۵ اسفندماه ۱۴۰۰ تا ۱۳ فروردین‌ماه ۱۴۰۱ حدود ۵۲ میلیون و ۷۷۱هزار و ۷۴۸ تردد جاده‌ای بین استان‌ها ثبت شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل، ۴۱ درصد رشد داشته است که استان بوشهر بین استان‌های بالای جدول پذیرش مسافرین نوروزی هست.

استان بوشهر با سابقه تمدنی، موقعیت ساحلی، فرهنگ غنی و مهمان پذیری و آب و هوای مناسب و بی نظیر، حداقل در ۶ماه سال از اواسط آبان ماه تا اواسط اردیبهشت، مقصد مناسبی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی است.

طبیعت زیبا، بافت مسکونی و معماری قدیمی، سواحل زیبا و پیشینه مذهبی، فرهنگی، تاریخی و هنری باعث شده تا بوشهر به ویژه در فصل زمستان و ایام نوروز در ردیف استان های مسافر پذیر و چند استان برتر کشور قرار گیرد.

با برنامه‌ریزی و تخصیص منابع کافی و جذب سرمایه بخش خصوصی برای ایجاد زیرساخت‌های لازم، استان بوشهر می تواند از ظرفیت گردشگری برای توسعه و ایجاد اشتغال، بهره بیشتری داشته باشد.

با نگاهی به اسناد بالادستی، دربند ۴ سند چشم‌انداز توسعه استان که در ۱۰بند تدوین شده، چنین آمده است: برخوردار از شرایط مناسب جذب گردشگران داخلی و خارجی.

همچنین با بررسی آخرین برنامه عملیاتی ۵ساله استان(۱۴۰۰-۱۳۹۶) در قسمت شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، در ردیف پنجم با عنوان فرهنگ، هنر و گردشگری قرار گرفته است. در استان بوشهر ۱۲۸ اثر طبیعی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی به ثبت رسیده است. استان دارای ۱۷هتل و هتل آپارتمان و ۳موزه است.

در بخش دوم، مهم ترین اقدامات اجرایی پیش‌بینی شده در برنامه ۵ ساله در ۱۶ فصل آمده که گردشگری بعد از فصل ورزش و جوانان، تحت عنوان بخش ذکرشده است و در برنامه عملیاتی، بخش گردشگری هم در فصل ششم کنار امور فرهنگی و تربیت بدنی آورده شده است.

مهم‌ترین اقدامات اجرایی پیش بینی شده عبارتند از:

- مرمت، احیاء و نگهداری ۶۸۱۷ مترمربع از اماکن تاریخی ومیراث فرهنگی.
- تجهیز امکانات لازم برای دسترسی آسان به ۵۵ درصد از جاذبه ها.

در مجموع برای اجرای برنامه ها در ۵سال برنامه ششم که دوسال هم از آن گذشته است (برنامه برای سال های ۱۴۰۱و ۱۴۰۲تمدید شد) مجموعا ۱۰۳میلیارد تومان اعتبار پیش بینی شده است. اگر مسئولین ذیربط اعلام کنند از این اعتبار که در برنامه پیش‌بینی شده چه مقدار تاکنون تحقق پیدا کرده و چند درصد از اهدافی که پیش‌بینی شده، محقق شده، به ارزیابی بهتر عملکرد این بخش کمک خواهد کرد.

مقاله‌ای با عنوان «رده بندی استان‌های کشور برحسب جاذبه‌های گردشگری» در فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات گردشگری شماره ۲۸ چاپ شده، جایگاه استان ها را مشخص کرده است که علاقمندان می توانند در صورت تمایل به تفصیل آن مراجعه کنند.

همچنین در مقاله پژوهشی دیگری با عنوان «بررسی توانمندی‌های گردشگری شهر ساحلی بوشهر» نوشته محسن سقایی استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور تهران، یافته‌های تحقیق براساس مدل SWOT در تحلیل پتانسیل‌های گردشگری و نقش آن در توسعه شهرساحلی بوشهر ارائه شده که به بخش‌هایی از آن اشاره خواهد شد.

تجزیه و تحلیل سوآت بر این منطق استوار است که استراتژی اثربخش، قوت‌ها و فرصت‌ها را حداکثر می کند، در عین حال که ضعف‌ها و تهدیدهای آن را به حداقل می رساند. این روش یکی از بهترین روش های تدوین راهبرد برای سازمان‌هاست.

نقاط قوت گردشگری بوشهر

۱- اقتصادی

- شرایط مناسب جهت سرمایه گذاری و برنامه‌ریزی گردشگری.
- دیدگاه مثبت مردم در مورد مشارکت افراد برای توسعه گردشگری.
- آمادگی گردشگران جهت هزینه کردن در زمینه فراغت و تفریح.

۲- عوامل اجتماعی و فرهنگی

- همکاری و مشارکت در بین مردم و آگاهی آن‌ها.
- آداب و رسوم، فرهنگ بومی و - مکان‌های تاریخی و دیدنی شهر بوشهر.
- خون گرمی و مهمان نوازی مردم.

۳- عوامل محیطی

- دسترسی مناسب به نواحی دیدنی برای گردشگران ورودی به منطقه.
- وجود مناطق ساحلی و چشم‌انداز ساحلی منحصربه فرد منطقه.
- تنوع چشم انداز زیبا در منطقه.
- تنوع گونه‌های آبزی وکنار آبزی و پرندگان موجود در منطقه.

۴- عوامل نهادی

- اعتقاد مسئولین به اشتغال‌زایی و ایجاد بستر مناسب جهت گسترش گردشگری شهری.
- وجود تأسیسات مناسب آب و برق و... درسطح شهرستان.
- همکاری سازمان‌ها و نیروهای امنیتی جهت برقراری امنیت و رفاه مسافران.

نقاط ضعف گردشگری بوشهر

۱- اقتصادی

- عدم وجود برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های محلی در صنعت گردشگری.
- عدم سرمایه گذاری برای شناسایی نواحی مستعد در زمینه گردشگری.

۲- اجتماعی- فرهنگی

- کمبود امکانات اقامتی نهادهای دولتی یا بخش‌های خصوصی.
- کمبود نیروهای متخصص و آموزش دیده در زمینه گردشگری ساحلی.
- عدم آشنایی مردم بومی وعدم آموزش آن‌ها در نحوه برخورد با گردشگران.
- افزایش تعداد جوانان بیکار.
- پایین بودن سطح آگاهی مردم درخصوص مزایای توریسم.
- کمبود جذابیت منطقه به دلیل نبود امکانات رفاهی مطلوب.
- عدم آشنایی و شناخت سرمایه گذاران محلی، منطقه ای و ملی.

۳- محیطی

- نامناسب بودن زیر ساخت‌های محیطی و کالبدی.
- بالا بودن سطح آب سفره زیرزمینی در منطقه ساحلی.

۴- نهادی

- عدم تبلیغات لازم در زمینه گردشگر.
- عدم معرفی جاذبه‌های گردشگری بوشهر به عنوان مقصد گردشگری.
- عدم وجود منابع آب با کیفیت مناسب در فاصله نزدیک به شهر بوشهر.
- سیستم حمل و نقل نامناسب.
- کمبود امکانات اقامتی موجود در منطقه.
- کمبود تجهیزات شهری موجود در منطقه.
- عدم وجود کانون‌های فعالیتی مناسب در ساحل که سبب سرزندگی و تشویق حیاتی شهری گردد.

فرصت‌های گردشگری بوشهر

۱- اقتصادی

- افزایش توجّه دولت به برنامه ریزی و سرمایه گزاری در بخش گردشگری.
- توسعه و تجهیز محورهای اصلی و فرعی ارتباطی کشور.
- پتانسیل احداث کاربری‌های مناسب جهت استفاده گردشگران ازقبیل شهربازی، ایجاد هتل‌های بین‌المللی چند ستاره و سایر تجهیزات رفاهی، تفریحی.

۲- اجتماعی- فرهنگی

- سطح بالای آگاهی گردشگران در برخورد با مردم.
- سنت‌ها ومراسم مذهبی بومی منطقه.
- استقبال خوب گردشگران از مناطق ساحلی.
- ساماندهی فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی و برگزاری نمایشگاه‌های فصلی صنایع دستی.

۳- محیطی

- وجود خلیج فارس به عنوان اصلی‌ترین جاذبه گردشگری.
- درجه حرارت مناسب در فصول سرد سال و بالا بودن ساعات آفتابی روز.
- آمادگی گردشگران جهت تفریح و تفرج در کنار ساحل در زمان مناسب در شرایط اقلیمی.
- وجود تعداد زیادی شناور سنتی و کارگاه لنج‌سازی در بوشهر.
- استفاده از تنوع چشم اندازی منطقه.
- نزدیکی به کشورهای خلیج فارس و جذب گردشگر خارجی.

۴- نهادی

- افزایش توجه و حمایت مسؤلان کشور از توسعه شهری با رویکرد اشتغال زایی و کسب درآمد.
- تربیت نیروهای متخصص وبا تجربه.
- امکان ایجاد پارک- موزه با تأکید بر گونه‌های ساحلی(انواع پرندگان کنار آبزی و آبزی).

تهدیدهای گردشگری استان

۱- اقتصادی

- کافی نبودن سرمایه گذاری‌های خارج از منطقه در جهت جذب گردشگر.
- عدم توجه مسئولین به اقتصاد گردشگری موجود در منطقه.

۲- اجتماعی- فرهنگی

- افزایش تمایل و انگیزه گردشگران به مسافرت سایر تفریحی نزدیک و رقیب.
- از بین رفتن فرهنگ سنتی و محلی مردم و عدم توجه به فرهنگ سنتی و محلی.
- آشنائی مردم بومی با عقاید جدید و شیوه نادرست رفتاری.

۳- محیطی

- بالا بودن درجه حرارت و رطوبت در فصل تابستان.
- آلودگی آب در مناطق در مناطق ساحلی.
- تهدیدهای زیست محیطی و ایجاد خسارت به آثار تاریخی، فرهنگی و طبیعی.

۴- نهادی

- عدم ارائه مجوز و تسهیلات از سوی دولت جهت گسترش و توسعه تجهیزات و تأسیسات گردشگری.
- محدودیت قانونی موجود در توسعه مناطق ساحلی.
- رسوب‌گذاری درمنطقه ساحلی که عامل تهدیدکننده فعالیت‌های دریایی و تاسیسات ساحلی خواهد بود.
- غلبه بصری دریا و کم توجهی به سایر پدیده‌های طبیعی.

- نتیجه گیری

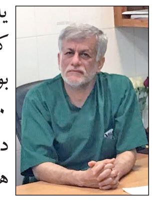
شهر بوشهر با توجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی، می‌بایست به طور جدی در عرصه گردشگری در کشور و جهان قدم بگذارد تا جلوه اصلی خود را اثبات کند. از مجموع آن چه که بیان شد می‌توان به این نتیجه رسید که با وجود توان‌ها و استعدادهای بالقوه شهر بوشهر برای جذب گردشگر، هنوز راه طولانی جهت استفاده از این توان‌ها وجود دارد. بهره‌مندی از مزایایی صنعت گردشگری مانند درآمد و اشتغال‌زایی، نیازمند توجه به تمام بخش‌های مرتبط به این صنعت بوده و ایجاد هماهنگی‌های لازم بین آن‌ها، مدیریت واحد و تقسیم کار بین بخش‌های دولتی و خصوصی را طلب می‌کند. با تقویت کردن مهم‌ترین نقاط قوت و فرصت‌ها و همچنین برنامه‌ریزی جهت رفع نقاط ضعف و تهدیدها و کاهش آن‌ها می‌توان چشم‌انداز مناسبی برای توسعه صنعت گردشگری را شاهد باشیم.

پیشنهاداتی هم ارائه شده که برخی موارد همواره مورد توجه مدیران ذیربط بوده است و امید است به سایر موارد هم عنایت شود مثل:

- هماهنگی بین مدیران منطقه و دیگر ارگان‌ها و مؤسسات مرتبط با گردشگری.
- تهیه نقشه جامع گردشگری بوشهر و توزیع آن‌ها بین مسافران در ورودی‌های منتهی به شهر بوشهر.
- برنامه‌ریزی مناسب برای کاهش هزینه‌های تمام شده برای گردشگران از طریق ایجاد تورهای گردشگری گروهی، ارائه تخفیفات از طریق شرکت‌های هواپیمایی و مسافرتی و هتل‌ها.
- ایجاد امکانات سفر دریایی با کشتی‌های مجهز برای رفت و آمد بین جزایر خلیج‌فارس و کشورهای حاشیه خلیج فارس.
- اختصاص درصدی از درآمد نفت و گاز استان جهت رونق بخشیدن فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مرتبط با حوزه گردشگری.
- فرهنگ‌سازی و اطلاع رسانی مردم در جهت برخورد مناسب با گردشگران ورودی به استان و اطلاع از مزیت حضور آن‌ها برای توسعه شهر.
- بهبود زیرساخت‌های حمل ونقل داخلی و خارجی، تجهیز فرودگاه بین‌المللی شهر بوشهر و ایجاد وگسترش پروازهای‌داخلی و خارجی، تکمیل پروژه راه آهن بوشهر به شیراز و اتصال به شبکه ریلی کشور.
- توسعه‌یافتگی سواحل و امکانات تفریحی لازم مانند پارک‌های آبی و باغ‌های دریایی و استفاده از داشته‌های بومی در کنار آن که باعث افزایش اشتغال می‌شود.

نظری و گذری به دوران سفید و سیاه فوتبال بوشهر

دکتر عبدالرحیم مهرور



یاد باد آن روزگارانی که دوران طلایی فوتبال بوشهر می‌نامیدیم، دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را می گوییم، آن دورانی که در فوتبال ایران همراه با خوزستان، آقایی می کردیم.
از فوتبال شاهین و ایرانجوان می‌گوییم. شاهینی که پروازهایش وصف‌انگیز بود و جوانی که به ایران خود می‌بالید (ایرانجوان).
شاهین سفید و ایرانجوان قرمز پوش، چه تحرک و ثباتی در ایران داشتند با مربیان بومی و نام آشنایی از کبگانی و پوربهی گرفته تا چاهی‌بخش ها و بوالخیری و گرانبها و بازیکنان سیه چهره همچون رزمی و برزین و خوش استیل‌هایی همچون تورانی و اقدام و سرزنانی ملی پوش مثل ابراهیم‌زاده و تینو (حیدری) و دروازه‌بان‌هایی مثل برزمهری و عبدالله‌زاده معروف به گربه سیاه و دفاع مستحکمی همچون شریفیان، حسن‌پور و عباس احمدی کوتاه قد ولی بلند پرواز و غزال تیزپایی همچون رضا ماهینی و هوشنگ ثابتی، علی مصلح و محمود قدسی که به تیم ثبات می دادند.
آن هم در سبخ‌زارهای جنوب با زمین‌های سنگلاخی و با پاهای برهنه که حتی گاهی تیرهای دروازه هم نداشتیم اما فوتبالی متعصبانه همراه با شور و شوقی که کل شهر را فرا می‌گرفت ولی امروزه خاموش و تاریک از آن هویتی که روز به روز به روز مرگی و سقوط پیش می‌رود که علت اصلی آن عدم مدیریت در عرصه‌های بالای استانی و کشوری و در مرحله بعدی بی‌تفاوتی آن‌هایی که زمانی سرآمد بودند اما امروز به دلایل مختلف گوشه‌گیر و منزوی هستند.
حال کجا رفت آن دورانی که زمین‌های خاکی هم برای‌مان ارزشمند بود و اسطوره‌های فوتبال‌مان بدون هیچ‌گونه چشم داشتی فقط به خاطر منش و هویت باشگاه‌های شاهین و ایرانجوان از همه مادیات می‌گذشتند. همان روزهایی که رفاقت بیشتر از رقابت بود، امروزه رفاقت بر سر غارت اموال باشگاه است!
اکنون چه کسی جوابگوی این همه بدبختی‌ها و سیاه‌بختی‌های فوتبال زرخیز (طارمی، قائدی، محبی، دانشگر و صالحی) بوشهر است؟ چگونه و با چه قانونی اموال باشگاه شاهین که متعلق به تمام مردم استان بود ازدست رفت؟! کجا رفت آن صفا و صمیمیتی که از طریق فوتبال می‌توانستیم به جامعه و بخصوص جوانان بوشهری تزریق کنیم؟ و کجا رفت آن جنب و جوشی که قبل و بعد از هر بازی در بازار ماهی فروشان رواج داشت؟ و اکنون یک صاحب منصب منصفی نیست که بخواهد یا بتواند شور و شوق دهه‌های گذشته را به فوتبال بوشهر و جوانانی که هیچ انگیزه‌ای برای شادی و نشاط ندارند برگرداند؟!


تیم منتخب بوشهر سال ۱۳۴۴

انسان‌های خوب، خوشه‌های مروارید

رضا سیاهوشی

یکی از این خوشه ها، مهربان مردی است به نام کیومرث (زاغی) سیاوشی که صفا، مرام و معرفتش بسیار و عشق، تعصب و علاقه اش به فوتبال و تیم شاهین بوشهر هم خیلی زیاد بود.
دوستی و محبت را از دل ها بپرسید که دل‌ها گواهانی هستند که رشوه نمی‌پذیرند. مردخستگی‌ناپذیر گمرک بوشهر(بازنشسته) که هم سابقه حضور در هیات مدیره شاهین دارد و هم از آن دسته هوادارانی که همیشه در کنار تیم محبوب خود بود و در انتقال بازیکنان و تامین بودجه تیم نیز هیچ وقت دریغ نمی ورزید.
هرچند متاسفانه مدت زمانی است که بر اثر سکته و به لحاظ جسمی دچار مشکل شده ولی هنوز هم سرشار از محبت و مهربانی می‌باشد و آن چهره خندان و خوشرویی همیشگی خود را دارد.
جمعه شب به دیدارش رفتیم تا هم از زحماتش سپاسگزاری نموده و هم در جشن تولدش، در کنارش باشیم.

یاد خوبان هر کجا باشد خوش است
دل بدون یاد خوبان ناخوش است

انسان های خوب و اشخاصی که نقش مثبت و تاثیرگذاری در جامعه دارند هرگز فراموش نخواهند شد و لازم است از خدمات صادقانه



آنان سپاس‌گزاری شود. آرزو می‌کنیم که کیومرث خان و همه بیماران شفای عاجل یابند تا وجود گرمابخش و سایه پرمهرشان در خانه درخشان و بر خانواده پایدار باشد.

با تو ما راخوشترین دیدار باد
هر کجا هستی خدایت یار باد

جا دارد یادی هم از زنده یاد«ناصر پوردرویش» مرد اخلاق و معرفت و رفیق صمیمی او و همچنین «ناصرخرسند» برادر همسرش) نماییم که برای تیم‌های افسر، ایرانجوان و فوتبال بوشهر زحمات فراوانی کشید.



فوتبال استان بوشهر در انتظار مجمع جدید

مرتضی خضری: فوتبال استان بوشهر در این روزها ملتهب است. لیگ‌های مختلف استانی در حال انجام است اما خبرهای پیرامون شاهین تابان و ایرانجوان از این بدتر نمی‌شود.
شاهین تابان هنوز مشخص نیست چه شاهینی‌ست و بعد از ۷ هفته تجربه‌های متنوعی از شکست را دارد. ایرانجوان هم مانند همیشه دست و پا می‌زند و در باتلاق بیشتر فرو می‌رود.
کنار این خبرها خبر مجمع هیات فوتبال استان برای معرفی رئیس جدید نیز شنیده می‌شود.
همه‌ی اهالی فوتبال استان بوشهر خبرهای پیرامون مجمع پیش رو را دنبال می‌کنند. خبرها گیج کننده است. برای مجمع جدید چهار کاندیدا نام‌نویسی انجام دادند اما یکی در همان ابتدا انصراف داد تا رقابت سه ضلع داشته باشد.
مجمع گذشته هیات فوتبال در دهه اول دی‌ماه سال ۹۸ برگزار شد و حالا فوتبالی‌ها در انتظار مجمع جدید هستند.
امیرحسین محتشم رئیس فعلی، محمد نجفی رئیس قبلی، عبدالخالق برزگرزاده عضو شورای شهر بوشهر و خداکرم ایزدپناه ثبت نام اولیه را انجام دادند اما برزگرزاده خیلی زود انصراف داد تا رقابت بین محتشم، نجفی و ایزدپناه گرم‌تر شود.
مجمع هیات فوتبال استان بوشهر دو انتخاب جنجالی را در سال‌های اخیر تجربه کرده است.
در سال ۹۲ اداره کل ورزش و جوانان به رهبری جمشیدی تمام امکانات خود را بسیج کرد تا محمد دوانی را بعد از دوازده سال به گوشه براند و راند. کفاشیان رئیس فدراسیون فوتبال در مجمع سال ۹۲ پشت به دوانی کرد و یکی از محکم‌ترین پشتوانه‌های خود را در انتخاب رئیس فدراسیون کنار گذاشت.
در پایان مجمع سال ۹۲ محمد نجفی رئیس شد. نجفی دو سال مجمع را عقب انداخت و بعد از ۶ سال مجمع را برگزار کرد. نجفی هم به سرنوشت دوانی دچار شد. اداره کل در مقابل رئیس هیات فوتبال استان بوشهر جبهه گرفت و نجفی نتوانست تایید نهایی را بگیرد و ساختمان هیات فوتبال استان بوشهر را دو دستی تقدیم امیرحسین محتشم کرد.
محتشم در سالی آمد که کرونا هم آمده بود و به همین دلیل رکود در فوتبال دیده شد. محتشم به کمک پرویز عبدی‌پور بر صندلی نشست اما آب این دو به یک جو نرفت و عبدی‌پور به ناچار هیات فوتبال را ترک کرد.
برای تغییر محتشم کار نجفی و ایزدپناه سخت است. البته هنوز تایید نهایی سه کاندیدا نرسیده است ولی در صورتی که رسید باز هم تغییر محتشم کار سختی‌ست.
رایزنی‌ها برای حذف محتشم از ماه‌ها پیش شروع شده است و مخالفین تنها راه بیرون راندن محتشم را عدم تایید وی می‌دانند البته همین نگاه به نجفی و ایزدپناه هم وجود دارد.
در این دوره ۲۸ رای وجود دارد که ده رای مربوط به روسای هیات فوتبال شهرستان‌های مختلف است.
رضاییان مدیرعامل پارس جنوبی سه رای دارد.
عضویت در هیات رئیسه فدراسیون، لیگ برتری بودن پارس جنوبی در فوتبال ساحلی و لیگ یکی بودن تیم فوتبال پارس جنوبی باعث شده است تا رضاییان سه رای داشته باشد.
امیرحسین محتشم رئیس هیات فوتبال استان بوشهر و تاج رئیس فدراسیون فوتبال کشور نیز دارای رای هستند.
دو داور مرد و زن، دو ورزشکار مرد و زن و دو مربی مرد و زن دارای رای هستند.
تربیت بدنی آموزش و پرورش هم یک رای دارد. این رای را صادق عبدالهی به صندوق خواهد انداخت.
یاسر جمالی مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر هم صاحب رای است.
گسار قهرمان فصل پیش لیگ برتر استان بوشهر، شهریار بوشهر و ابوذر کنگان هم دارای رای هستند. شهریار امتیاز آبی‌دوشان چغادک نایب قهرمان فصل پیش لیگ برتر استان را خرید و به همین دلیل دارای رای‌ست.
گناوه هم با داشتن امتیاز لیگ برتر فوتبال ساحلی دارای رای است.
شاهین تابان در لیگ دسته دوم کشور است و طبق قانون باید رای داشته باشد اما نداشتن ثبت شرکت‌ها شاید این رای بپراند./
یاران سبز

سفرنامه ارمنستان

ابراهیم هوشیار

وقتی تصمیم می گیری برای سفر، کشوری را انتخاب کنی که هموطنان هم کیش آن ملت را می‌شناسی و آوازه امین بودن و درستی کنش اغلب آن ها بر زبان مردم شهرت جاریست، بیشتر مشتاق دیدار از آن جا می‌شوی، اگر می خواهی برای دیدار به جایی بروی که تاریخ می گوید، سال ها قبل از میلاد دو سلسله موازی اشکانی، دو کشور را اداره می کرده اند، مشتاق‌تر می‌شوی و وقتی می بینی که در فرهنگ و ادبیات کشورت زیبائی دختران این کیش، دل شیخ صنعان را ربوده بوده‌اند و ترسا بچه‌ای، مضمون دلربایی شعر شاعران بزرگ کشورت بوده، برای رفتن به آن جا اشتیاقت دوچندان می‌شود. "دختری از امت عیسی گرفتارش شدم /یا محمد همتی کن تا مسلمانش کنم"، این بیت شعر نیز یادگاری از دوران جوانی است که بر پیشانی کامیونی نقش بسته بود و هنوز در خاطرم مانده است و هنوز هم نمی‌دانم، راننده دلش می‌خواسته دختر ترسا را فقط مسلمان کند یا نظر دیگری داشته است.

با این سابقه ذهنی راهی ارمنستان شدیم و سر از فرودگاه ایروان درآوردیم. از فرودگاه خودمان منظم تر و تمیزتر و راحت‌تر بود. نماینده تور، ما را به هتل تحویل داد و کارش تمام شد. هتل کهنه و تمیزی بود. تماشای قله زیبایی آرارات از بالکن هتل اولین هدیه این مسافرت بود. بعد از استراحتی کوتاه به شوق دیدار شهر از هتل خارج شدیم، گشت اولیه ما در شهر چشم ما را به مناظر آشنایی روبرو کرد. خیابان‌هایی شبیه محله مجیدیه و خیابان سنائی تهران با همان مغازه‌های زیبا و پله‌های دوطرفه، میانسالان و پیرانی که دورهمی‌های روزانه خود را با خوردن قهوه و کشیدن سیگار سپری می کردند. مردمی مهربان که پاسخ سوالات غریبه‌ها را با خوشرویی می‌دادند و چقدر به فرهنگ ما نزدیک است. در ادامه برای خرید چند قلم جنس به ایروان سنتر رفتیم. فروشگاه بزرگی بود و همه نیازهای مردم را تامین می کرد. بیرون از فروشگاه پیرزنان بساط دستفروشی خود را بدون جاروجنجال می‌فروختند، چهره‌هایی بسیار آشنا با همان ریخت و پوشش پیرزنان ارمنی خودمان.

فردا، روزمان را با دیدار از میدان جمهوری آغاز کردیم، میدان دلنشینی با حوض‌ها و فواره‌های آرامش بخش بود، به نظر می‌رسد از زمان شوروی مانده باشد، ساختمان‌های زیبائی در اطراف میدان بود که مهمترینش موزه ایروان است، محقر بود و فقط بخش ماقبل تاریخش فعال، ظاهرا در دست تعمیر بود، مابقی موزه، گالری عکس بود.

روز سوم با هماهنگی در گروه کوچکی، روانه تله کابین و دریاچه سوان شدیم، تله کابینشان تله سیژیست که مسافران را در منطقه‌ای سرسبز به نام دره گل‌ها گردش می‌دهد. این تله کابین!، تله سیژ دهه پنجاه دربند را تداعی می کند، و اما دریاچه سوان با وسعت ۵/۸ کیلومتر یکی از بزرگترین دریاچه های آب شیرین جهان با ماهی‌های قزل‌آلای منحصر بفردست. گشتی با قایق بر روی دریاچه، دلچسب بود.

خیابان‌گردی‌های شبانه نیز بخشی از برنامه بود. مردم ایروان شب‌های خود را در خیابان‌های روشن و پارک‌های نورانی شهر می گذرانند، خیابان شمالی و پارک فواره‌ها مشتاقان بیشتری دارد. غذاهایی لذیذ ارمنی که از گوشت و سبزیجات است، آدم را بیاد اغذیه فروشی‌های ارمنی دهه پنجاه می‌اندازد. شیرینی‌های متنوع و خوشمزه سفر را شیرین‌تر می کند.

آوازه پارک عشاق ما را ترغیب به دیدن این پارک کرد، از دفتر هتل آدرس را پرسیدیم و او نام پارک را به زبان ارمنی بر تکه کاغذ نوشت و به ما داد، راه افتادیم و از روی نقشه به نزدیکی‌های پارک رسیدیم. کاغذ آدرس را به پلیسی که بجز زبان مادری زبان دیگری نمی‌دانست نشان دادیم و او با لبخندی زیبا ما را تا پارک همراهی کرد. پارک دنج و عاشقانه ای بود. گشتی در پارک، خستگی مسیری را که از هتل پیاده آمده بودیم بدر کرد. پائین‌تر از پارک ساختمان اپرا قرار داشت. ساختمان باشکوهی که اپرای «رمئو ژولیت» را اجرا می کرد. احتمالا به دست روس‌ها ساخته شده است.

جمعه ۲۱ سپتامبر بود و روز استقلال ارمنستان و مراسم مختصری در میدان جمهوری در حال برگزاری بود، دلیل کم رونق بودن جشن را بخاطر عزاداری مردم بواسطه جنگ با همسایه عنوان می کردند.

از دیگر دیدنی‌های ایروان مسجد کبود یا مسجد آبی است. این مسجد بدست حسینعلی خان ایروانی در قرن هیجدهم میلادی، در زمان نادر شاه ساخته شده است. مسجدی بزرگ با گنبد و یک مناره آبی، محصور در دل آپارتمان‌های اطراف. از آن جا به دیدن کلیسای سرکیس رفتیم، در حال برگزاری مراسم دعا بودند و با شکوه بود.

روز دیگر از مرکز خرید «دالما گاردن» که روبروی استادیوم ورزشی ایروان قراردارد بازدید کردیم. برگشت ما از همان مسیر به سمت تهران انجام شد.



حکایت بنزین زدن ماشین‌ها در بوشهر و بازی کودکانه ما

عبدالرسول سلحشورنژاد

درسال‌های کودکی ما در دهه ۳۰ و تا میانه دهه ۴۰ و در جاهایی که برق عمومی و دائم نبود، پمپ بنزین‌ها به دو شکل نفت و بنزین را عرضه می کردند، یکی به شکل حلب‌های ۱۸ لیتری پلمپ و با بشکه‌های ۲۱۰ لیتری، که هر دو در زمستان به وسیله لنج و کشتی به دلیل نبود راه خوب و در تابستان به وسیله کامیون از پالایشگاه آبادان آورده می‌شد و در مغازه حلب ۱۸ لیتری (پیت حلبی هم میگفتن) و در پمپ بنزین‌ها هم حلب و هم فله فروخته می‌شد (در بوشهر در خیابان نادر مرحوم آقای سعیدی مغازه نفت و بنزین فروشی داشت، الان مغازه تخریب شده و فعلا به عنوان پارکینگ عمومی از آن استفاده می‌شود).

در محله‌ها بقالی‌ها از بشکه برای فروش نفت استفاده می‌کردند، بدین‌گونه که بشکه را بر روی سکوی کوچکی قرار می‌دادند و زیر آن از یک حوض سیمانی می‌ساختند یا نیم بشکه قرار می‌دادند شیر نفت را درون آن باز می کردند و معمولا از یک قوطی روغنی یک لیتری به جای پیمانه (کیل) استفاده می‌کردند و ظرف مشتری را پر می کردند.



در بوشهر توی محله بّلبِلی‌های سنگی در میدون سینگر دَو مغازه استا علی و غلوماری این گونه نفت می‌فروختند.

برای فله فروشی بنزین در پمپ بنزین‌ها، دو روش وجود داشت، یکی این که بشکه ۲۱۰ لیتر را روی سکوی قرار می‌دادند که معمولا این سکو همتراز کف کامیون‌ها برای راحتی تخلیه بود، بشکه‌ها را که روی سکو خالی می کردند، بروی درب کوچک بشکه شیر نصب می کردند و آن را می‌خواباندند بگونه ای که شیر پایین باشد و درب بزرگ بالا و زیر شیر کیل های مخصوصی که اندازه های، نیم، ۱، ۲، ۵،۱۰، ۲۰ لیتری داشت (که هنوز هم هست) قرار می‌دادند و شیر را آرام باز می کردند تا بنزین یا نفت خارج شود و درب بزرگ را آرام باز می کردند تا هوا وارد بشکه شده و بنزین به راحتی خارج شود و مشتری به اندازه نیازش خرید می کرد و در ماشین خود می‌ریخت.

اما بعضی از جایگاه‌ها پیشرفته‌تر بودن و پمپ یا تلمبه دستی داشتند و شیلنگ مکش تلمبه را در بشکه می گذاشتند و شروع می کردند تلمبه زدن، پمپ بنزین‌ها یا تلمبه ها سیستم جالبی داشتند و طرز کارشان قشنگ بود ولی خسته کننده.

جدیدا تعویض روغنی رفته‌اید؟ دیگر برای تخلیه روغن، پیچ کارتل را باز نمی کنند و ازیک مکنده کمک می گیرند و روغن تخلیه شده وارد یک ظرف شیشه‌ای مدرج استوانه می‌شود که معمولا ۵ لیتر ظرفیت دارد. حالا مجسم کنید یک دستگاهی را که بیش از دو متر ارتفاع و حدودا ۶۰ سانت عرض که یک صلیب باشد و زیر هر بازوی صلیب یک عدد از همین ظروف شیشه‌ای تخلیه روغن قرار گرفته و از بالای آن به جای روغن بنزین وارد و از خروجی آن بنزین وارد شیلنگ نازل شود، اما روش کار بدین‌گونه بود که هر دو طرف خالی باشد و شما نیاز به ۵۳ لیتر بنزین دارید، با تلمبه دستی این‌قدر تلمبه می‌زدید تا یکی از ظرف‌ها پرشود، بعد دسته‌ای در بالای پمپ و سر راه لوله ورودی نصب بود که مسیر بنزین را به ظرف دیگر تغییر می‌داد، زده می‌شد و دوباره تلمبه زدن ادامه پیدا می کرد و زمانی که ظرف اول پر شد شما دسته نازل یا دسته شیلنگ را در باک می گذاشتید و بنزین وارد باک می‌شد و تا زمانی که ظرف دوم پر شود ظرف اول خالی شده بود. دوباره مسیر ورود و خروج بنزین تغییر داده می‌شد و ۱۱ باز این عمل تلمبه زدن و پر و خالی و تغییر مسیرها انجام می‌شد و پمپ‌چی خسته می‌شد و معمولا راننده‌ها به آن‌ها کمک می کردند و ظرف یازدهم فقط به مقدار ۳ لیتر از آن خارج می‌شد یعنی تا به خط ۳ لیتری می‌رسید، شیر آن را می‌بستند.

من از این تلمبه زدن و سوخت گیری خاطره ای دارم که همه این مقدمه چینی‌ها برای آن بود.

قبل از سال۴۳، ۴۴ تیرهای برق فقط در خیابان اصلی بوشهر که خیابان سنگی یا پهلوی بود، توسط شهرداری کشیده شده بود (کارخانه برق در خیابان توحید در محل فعلی امور مشترکین قرار داشت و کلیه خدمات آن توسط شهرداری انجام می‌شد.)

هرکس قدرت مالی داشت و برق می‌خواست، شخصا اقدام به گرفتن انشعاب می کرد و تا منزلش به هر فاصله‌ای بود دو رشته سیم تک فاز خریداری میکرد و صاحب برق می‌شد، و عده‌ای هم که تا خیابان زیاد فاصله داشتند و نمی‌توانستند به تنهایی اقدام کنند، چند نفری پول رو هم می گذشتن و کار را انجام می‌دادند، روش کار این طور بود که از تیر برق خبری نبود، برای هر ۱۰ الا ۲۰ متری دو عدد نبشی ۳ به طول ۴۰ الا ۵۰ سانت که به روی انتهای هر کدام از آن‌ها یک مقر ۵ سانتی نصب می کردند و آن‌ها را بروی دیوارها و ساختمان‌ها در کوچه در بالاترین ارتفاع، به فاصله ۲۰ سانت بالا و پایین نصب می کردند و سیم‌ها به این پایه‌ها و مقره‌ها وصل و در بین راه به منازل مشارکت‌کنندگان یک فاز و یک نول وارد می‌شد و یک کنتور کوچک و یک فیوز کتابی بروی تخته‌ای قرار می گرفت. توی کوچه گلشن، ما جزو مشترکین خود جوش بودیم. در آن سال‌ها مردم غیر از روشنایی استفاده دیگری نداشتند، به ندرت کسی پنکه رو میزی داشت (یادش خوش ما یه پنکه رومیزی داشتیم، فکر کنم ۲۰ کیلو وزنش هست، توی انباری خونه‌مون افتاده)، کارخانه برق قبل از غروب روشن می‌شد و ساعت ۱۰ شب خاموش.

در سال‌های۴۳، ۴۴ دولت اقدام به برق کشی برای عموم مردم کرد و تیرها و سیم وارد کوچه‌ها و محله‌ها شد که بهش می گفتند عمود برق، این عمودها در بعضی جاها با یک سیم بکسل و میله ای برای محکمی در زمین مهار می‌شدند (امروزه این روش در شهرها نیست ، ولی در بیابان‌ها اجرا میشود.) و اما اصل ماجرا اینجاست که یکی از همین عمود و مهارها در کوچه گلشن و روبروی خونه حسین و خونه احمدزاده پاسبان که خونه پرویز، حاج ماشاله و زاغی (که نمی‌دونم چرا بهش زاغی می گفتن) و ابتدای سنگ درآر سید ماشالا قرار گرفت.

سنگ درآر، محل بازی و شیطنت تمام بچه‌های محله بود، بازی‌هایی از فوتبال، هفت سنگ، گل بگی شده گرفته تا غروب‌ها سنگ به شوپر زدن (غروب‌های خفاش‌ها برای شکار حشرات در آسمان سنگ درآر پرواز می کردند و ما سنگ‌های کوچیک را به طرف آسمان پرتاب می کردیم و خفاش‌ها با رادارشون اونها را با حشرات اشتباه می گرفتند و آن‌ها را در هوا می گرفتند و بعد رها می کردند، یک شب سر یک نفر با سنگی که یک خفاش رها کرد، شکست.)

خلاصه با نصب تیر برق و مهار، ماشین بازی ما صاحب یک پمپ بنزین جدید شد، کل بچه‌های ماشین باز اول میومدن کنار مهار می‌ایستادند و با تکان دادن مهار، مانند تلمبه جایگاه آن را تکان داده بعد از زدن بنزین اولی نوبت نفر بعد، شاید بگم ۳۰ نفر این کار را در چند نوبت در حین بازی انجام می‌دادند، به گونه‌ای که طی یک هفته مهار از محل اتصال به زمین شکست و از قضای روزگار در دستان من آویزان موند و آقای زاغی احمدزاده از پنجره بالا خونشون، مرا در حین ارتکاب جرم دید، و ساعتی بعد زاغی با مامور اداره برق درب منزل‌مان حضور به هم رساندند و بابت خسارت وارده که تمام بچه‌های محل از جمله پرویز برادر زاغی در آن شرکت داشتند و زاغی اصرار داشت که من تنها بوده‌ام، مبلغی جریمه شدیم.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



کنسرتی که بوی دریا می‌داد

بهار بیگدلی - استرالیا



کنسرت گروه لیان برای من شاید با خیلی‌ها فرق داشت و فقط یک کنسرت پرشور و حال نبود. کنسرت این شب صرفا یادآور این نبود که از موسیقی وطنی فقط تو غربت میشه آزادانه لذت برد. کنسرت لیان برای من فقط نیشتر به غم دوری از خانه و یادآور تلخی مهاجرت نمود. کنسرت گروه لیان فقط احساس غرور از داشتن موسیقی فولک و اصیل مردم جنوب نبود، کنسرت و گروه لیان فقط افتخار به وجود دختران جسور و با استعدادی مثل لیانا نبود. یادآور راستی و درستی مردم جنوب بودن و برای من یادآور خوبی‌ها و شیرینی‌های گذشته.

کنسرت گروه لیان با موسیقی محلی نوای دلچسب نی انبان و حال و هوای جنوب برای من یادآور کودکی و نوجوانی بود. یادآور همان خاطراتی که گرد گذر زمان و پستی بلندی‌های زندگی رویشان نشسته است. کنسرت لیان برای من یادآور بابا بود بابایی که خیلی وقت نیست، رفته، اما با رفتنش خیلی چیزها رفته، لیان یادآور عطر فلفل و ادویه غذاهای عمه ماه نسا بود. لیان یادآور طنین صدای مهربون آقای دهباشی بود. لیان روزای خوشی که با عدیله گذراندم بود و یادآور زیر زیرکی خندیدن و ریسه رفتن بود، کنسرت لیان برای من فشرده شدن قلبم از دیدن شکستن آقای کنین مرد نازنین روزگار از رفتن بابا بود، صدای غرغر مامان از آن‌همه صدای اخبار تو خونه آقای کنین بود و عطر مربای بالنگی که از درخت باغچه‌شون چیده شده بود.

اون شب توی سالن بوی جنوب می‌آمد بوی همان گوش ماهیایی که جمع می کردیم، بوی دریا.

انگار دوباره با بچه‌ها توی قایق نشسته بودیم و باد داشت موهامو می‌برد. خیس شده بودیم و صدای قهقه‌مون میومد. همه اون شب همه توی سالن بلند می‌خندیدن و منو یاد خونه می‌انداختن، خونه‌ای که دوره و گرماشو همیشه کم دارم.

اون شب وسط اون همه هیاهوی سالن رفتم به گذشته و خاطراتی که دیگه خیلی دور به نظر میان، دلم از نداشتن‌ها و نبودن‌ها گرفت و اشکم سرازیر شد، اما با تمام وجود لذت بردم. ممنون از گروه لیان که با وجود کاستی‌هایی که هماهنگ کننده‌های ملبورن از پسش بر نیومده بودن، اجرای بسیار زیبا و دلنشینی داشتند.

ممنون از لیانا شریفیان برای به نمایش گذاشتن جسارت و مهارت و تاثیر حمایت خانواده، ممنون از محمد بحرانی هنرمند که وجودش گرمی کنسرت رو بیشتر کرد و صداش خاطرات نه چندان دور «جناب خان» شخصیت مورد علاقه بابا رو واسم زنده کرد.

ته همه چی میرسه به ایکاش، ایکاش می‌شد زمانو برگردوند. ایکاش دوباره می‌شد دوباره دورهم جمع شد، ایکاش دوباره می‌شد از ته دل خندید، ای کاش روزگار خوبی تو راه بود.

گردشگران سردرگم در بافت تاریخی بوشهر



مهدی فقیه: اگر در روزهای تعطیل، گذرتان به بافت تاریخی بوشهر افتاده باشد و یا در آن‌جا زندگی می کنید، با تعداد زیادی از مسافران و گردشگران روبرو می‌شوید که با علاقه در محلات قدیمی بوشهر قدم می‌زنند و به دنبال یافتن عمارت‌های زیبا و نماهای قشنگ برای دیدن و عکس گرفتن هستند. روزهای تعطیل، کوچه پس کوچه‌های تنگ و باریک بوشهر، قدمگاه مسافران و گردشگرانی است که در این هوای دلپذیر راهی بوشهر شده تا از دیدن ساحل دریا و نماهای تاریخی بوشهر لذت ببرند، در مقابل این استقبال گردشگران از بافت تاریخی بوشهر، متاسفانه شهرداری و میراث فرهنگی توجه کافی برای بهره‌بندی بیشتر مسافران از این مکان تاریخی را انجام نداده‌اند به طوری که علی‌رغم سنگفرش کردن اکثر کوچه‌های بافت، نظافت و بهداشت در این کوچه‌ها کم هست. هنوز نخاله‌ها در کوچه پس کوچه‌ها وجود دارد که شهرداری باید در این مورد اقدام سریع نماید. دیوارهای مخروبه که هر لحظه امکان فرو ریختن دارند، تهدیدی برای عابران هست.

همچنین سردرگمی گردشگران دریافتن عمارت‌های تاریخی دیده می‌شود به طوری که خبری از تابلو و معرفی این مکان‌های تاریخی نیست. متاسفانه درب اکثر این عمارت‌های تاریخی بسته هست و روزهایی که تعداد زیادی بازدید کننده وجود دارد، این مکان‌های تاریخی تعطیل هستند.

در این ماه‌های گردش‌پذیری بوشهر، خبری از ایجاد بازارچه‌های سنتی بوشهر نیست! خبری از برنامه‌ریزی جذب و نگهداشتن گردشگر در بوشهر نیست! خبری از اقدامات ویژه نیست و گویا ماه‌هایی هست همانند ماه‌های گرم سال که گردشگری به بوشهر نمی‌آید و شهر در سکوت بدون گردشگر، می گذرد، در حالی که این ماه‌ها بوشهر با دیدن گردشگران، زنده می‌شود و شاد می گردد.

عمارت‌های همیشه در حال ترمیم میراث فرهنگی در بوشهر



قاسم محمدی: در بندر بوشهر بعضی از عمارت‌های قدیمی دهه‌هاست که در حال ترمیم و بازسازی هستند به طوری که زمان این ترمیم از زمان ساخت این عمارت‌ها هم بیشتر شده است، نمونه آن عمارت آذین در محله کوتی هست. چند روز پیش که از آن‌جا می گذشتم دیدمٍ که از دوباره برای بار چندم دیواره بیرونی آن را که قبلاً ترمیم شده بود خراب کرده و از دوباره در حال ترمیم آن هستند! در کجای دنیا سراغ دارید که این‌گونه و با زمان طولانی کار ترمیم یک عمارت ادامه پیدا کند به طوری که قبل از به افتتاح رساندن از دوباره ترمیم‌های قبلی را خراب و از نو باز شروع به ترمیم کنند و بدین وسیله کار ترمیم چندین دهه به طول بکشد و هزینه ترمیم آن بیشتر از ساخت آن شود و تازه باز هم افتتاح نشود؟

آیا سازمان میراث فرهنگی دارای چنان آشفتگی در برنامه‌ریزی و ترمیم عمارت‌های قدیمی بوشهر هست که از ترمیم کامل یک عمارت و افتتاح آن عاجز مانده است؟!

دیدار جمعی از اهالی فرهنگ بوشهر با استاد ایرج صغیری در سالروز تولد



رها شدن خرابی پارک دانشجو

نسرین فقیه: چند روز پیش که با خانواده برای گردش به پارک دانشجو در کنار دانشگاه خلیج فارس بوشهر رفتیم مشاهده کردم که قسمتی از پارک که قبلاً میز پینگ پنگ گذاشته بودند را خراب کرده و احتمالاً کانال آب‌های سطحی آن‌جا را تمیز کرده بودند، اما وضعیت به همان حال رها شده و یک صحنه خطرناک را برای عابران و خصوصاً بچه‌ها که در آن‌جا بازی می کردند، به وجود آورده بود.

از شهرداری تقاضا دارم که زودتر آن محوطه را درست کند قبل از این‌که اتفاق تلخی برای کسی بیفتد.



درخواست یک گردشگر شیرازی از شهرداری بوشهر

ما چندین هفته است که تعطیلات آخر هفته را با دوستان به بوشهر سفر می‌کنیم. هوای عالی و برخورد خوب و میهمان‌نوازی بوشهری‌ها باعث شده است تا روزهای تعطیل خوبی برای ما بگذرد.

اما در همین روزهای اندک حضور در بوشهر متوجه شدم که چقدر کارهای ساخت و ساز عمرانی در شهر بوشهر به کندی انجام می گیرد که به عنوان نمونه مدت‌هاست که در حال ساخت چند متر بلوار کم عرض در برابر آب انبار قوام هستند و هر پنجشنبه و جمعه که به بوشهر می‌آییم می‌بینیم که هنوز این چند متر بلوارکشی ساده تمام نشده است و همچنان باعث ترافیک در آن منطقه می‌شود. به عنوان یک شیرازی از مسئولان شهر تقاضا دارم حداقل همین چند متر بلوار را زودتر تمام کنند و به سراغ بقیه ساخت و سازها بروند. (گردشگری از شیراز)

